

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیّم
سال پنجم (۱۳۹۴)، شماره دوازدهم

مأخذ اشارات در تفسیر غرائب القرآن

محمدرضا موحدی^۱

چکیده

تفسیر «غرائب القرآن و رغائب الفرقان» نظام الدین اعرج نیشابوری (م. پس از ۷۲۸ ق) از برترین تفاسیر قرآن و چونان دائرةالمعارفی بزرگ و مرجعی مهم دانسته شده که ضمن تفسیر و تبیین معمولی آیات، در پرتو آگاهی‌های کلامی، ادبی، روایی، فقهی و عقلانی، مباحثی را نیز تحت عنوان «التأویل»، به برداشت‌های عرفانی از آیات الهی اختصاص داده است. او با آن که در این تأویل‌ها، با مذاق عارفان هم‌مشرّب بوده، اما هوشمندی و احتیاط را نیز از دست نداده است. این مفسّر، بخش تأویل‌های عرفانی را عمدتاً، از تفسیر چاپ‌نشده «بحر الحقائق و المعانی» اثر شیخ نجم‌الدین رازی، عارف پرکار قرن هفتم هجری اخذ کرده است. در این مقاله، با استناد به نسخه‌ای خطی از «بحر الحقائق و المعانی» که تاکنون شناخته نبوده و نظام الدین نیشابوری به خط خود، یادداشت تملّکی بر آن نوشته، بخش‌هایی از این اقتباس، بررسی و تحلیل شده است. در پایان به این نتیجه دست یافتیم که بخش تأویلات «غرائب القرآن» چونان حلقه واسطی بین تفسیر «بحر الحقائق» رازی و تفاسیر دیگری همچون «تفسیر القرآن الکریم» از صدر المتألّهین شیرازی عمل کرده است و از این‌رو، ملاصدرا نیز وامدار نجم‌الدین رازی بوده است.

واژگان کلیدی: تفسیر اشاری، تأویل، نظام‌الدین نیشابوری، غرائب القرآن، نجم‌الدین رازی، صدر المتألّهین.

۱- مقدمه و طرح مسأله

۱-۱- درباره مؤلف غرائب القرآن

حسن بن محمد بن حسین قمی نیشابوری معروف به نظام الدین نیشابوری یا نظام اعرج (م. پس از ۷۲۸ ق)، از مفسران صاحب نام دنیای اسلام و از دانشمندان و شعرای قرن هفتم و اوایل قرن هشتم بوده است. وی از شاگردان قطب الدین شیرازی (م. ۷۱۱ ق) و در علوم عقلی، نجوم، تفسیر و علوم ادبی صاحب نظر بوده است. گویند خاندان و آباء و اجداد وی در قم می زیسته اند، اما او خود در نیشابور به دنیا آمد، و در آنجا پرورش یافته است. از برخی آثار و تألیفات وی برمی آید که گرایشی عمیق به تصوف داشته است.

از نظام الدین نیشابوری آثار بسیاری بر جای مانده که مهم ترین آنها کتاب *غرائب القرآن و رغائب الفرقان* است. دیگر آثار نظام الدین نیشابوری عبارتند از: ۱- *اوقاف القرآن*، ۲- ترجمه فارسیه للقرآن، ۳- *لب التاویل* (نظیر تاویلات المولی عبدالرزاق الکاشانی)، ۴- *شرح الشافیة فی الصّرف*، معروف به «شرح النظام»، ۵- *توضیح التذکره* (شرح بر تذکره خواجه نصیر الدین طوسی در علم هیئت)، ۶- *البصائر فی مختصر تنقیح المناظر* (درباره او ر.ک. صفا: ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۶/ زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۲، ص ۲۳۴/ ایازی، ۱۳۷۳، صص ۵۲۴-۵۲۸).

۲-۱- جایگاه تفسیر غرائب القرآن در میراث تفسیری مسلمانان

در معرفی کتاب *غرائب القرآن و رغائب الفرقان* و بیان ویژگی ها و اهمیت آن، مطالب بسیاری نوشته اند (مهدوی راد، ۱۳۷۶، ص ۱۸۸). ولی به نظر می رسد که این تفسیر، همچنان برای پژوهشگران هم روزگار ما، ناشناخته است و یا دست کم جایگاه علمی خود را نیافته است. از این رو، خلاصه بخشی از نوشته ها در معرفی این تفسیر نقل می شود:

محمد حسین ذهبی در تبیین این تفسیر و مآخذش، چنین می نگارد: «نیشابوری این تفسیر را از تفسیر کبیر فخر رازی گزینش کرده و آنچه را از زمخشری شایسته یافته با گزیده هایی از تفاسیر دیگر، بدان ضمیمه ساخته و بدین سان تفسیر غرائب القرآن سامان یافته است. اما او در مقابل این گزینش ها چنان نیست که نگاهش های دیگران را بستاید و مطالب آنان را قابل نقد و رد تلقی نکند؛ بلکه با اندک تأمل، می توان یافت که وی در تفکر، فرد آزاداندیشی است که در آنچه بر می گزیند، به دقت می نگرد و ناراستی ها را زدوده و اصلاح می کند و اگر کاستی و نقصی یافته، به تکمیلش همت می گمارد» (ذهبی، ۱۹۷۶، ج ۱، ص ۳۲۱).

در *مناهل العرفان* نیز می‌خوانیم: «تفسیر نیشابوری در میان تفاسیر، به عبارت روان و ساده، تحقیق آنچه نیازمند پژوهش است، پیراستگی از زواید، تبیین قرائت‌ها و وقف در اوّل آیات، ممتاز است» (زرقانی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۵۳). شهید مطهری، در ضمن یادکرد برخی از تفاسیر اهل سنت، از آن بدین سان یاد کرده است: «غرائب قرآن معروف به تفسیر نیشابوری. این تفسیر نیز در ردیف تفاسیر درجه اوّل اهل تسنّن به شمار می‌رود» (مطهری، ۱۳۶۲، ص ۴۶۴).

غرائب القرآن در دیدگاه عالمان و تفسیرپژوهان از جایگاه شایسته‌ای برخوردار بوده است. سلامت بیان، دوری از لجاج و تعصّب، قدرت تبیین و گستردگی تحقیق و دیگر ویژگی‌های والای آن، باعث شده است که عالمان و محققان از آن به نیکی یاد کنند و بدان به دیده عظمت بنگرند. صاحب *روضات الجنّات*، درباره این تفسیر می‌نویسد: «تفسیر غرائب القرآن که از بهترین تفاسیر قرآن کریم است، در عرضه مطالب گرانقدر لفظی و معنوی، جامع‌ترین و در تبیین فواید ظاهری و مباحث عقلانی، گسترده‌ترین آنهاست. در نگارش، تنظیم و چگونگی مطالب، تقریباً، همگون مجمع البیان است - به علاوه احکام وقف در آغاز آیات و تأویل‌های ذوقی در فرجام آنها و اشاره به دقائق نکات عربی و ادبی» (خوانساری، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۰۲).

مهدوی‌راد ضمن نقل اقوال برخی پژوهشگران در این خصوص، چنین می‌آورد: «تفسیر نیشابوری دارای ویژگی‌ها و برجستگی‌هایی است که در میان آثار تفسیری فرهنگ اسلامی بدان امتیاز ویژه‌ای بخشیده است. نثر گویا و دلنشین، تنظیم و ترتیب دقیق و استوار، گزیده‌گویی و اجتناب از استطرادهای نامتناسب، جامعیت نسبت به تمام مباحث، از جمله ویژگی‌های این تفسیر است. وی در ذیل آیات، غالباً، به تمام دیدگاه‌ها اشاره می‌کند و در عباراتی کوتاه و روشن، بهره‌های فراوان از یک آیه را عرضه می‌کند و در تمام این مراحل، هرگز به درازگویی و زیاده‌روی، روی نمی‌آورد. لطایف عرفانی، ظرایف ذوقی دلنشین و گاه شورانگیز آن نیز از جنبه‌های برجسته دیگر این تفسیر است. پرداختن منظم و دقیق به مباحث تجوید در آیات - از قبیل وقوف، «قرائت» و... - را نیز می‌توان از خصوصیات این تفسیر به شمار آورد. اشارات راه‌گشایانه به چرایی و چگونگی گزینش واژه‌ها، تعبیرها و بررسی هوشمندانه و گسترده تناسق و نظم و ترتیب در آیات و بازشناسی و عرضه روابط تنگاتنگ محتوای آیات و سوره‌ها از جلوه‌های والای این تفسیر است. پس از اینها، باید از انصاف در بحث، نقل اقوال و اندیشه‌ها بدون تحریف و دوری از تعصّب و لجاج، یاد کرد. یافته‌ها و انتساب دقیق آنها به صاحبان اقوال و در یک کلام، امانت علمی در جای‌جای این تفسیر، جلوه‌ای ستودنی دارد. بالأخره، باید از

تأویل‌های گسترده و گاه دلپذیر و زیبا یاد کرد که در پایان تفسیر معمولی و ظاهری آیات می‌آید و گاه پرتوهای ارجمند و گران ارجی بر آیات می‌افکند و دل را به شیدایی و شیفتگی می‌کشاند» (مهدوی‌راد، ۱۳۷۶، ص ۷۷). مصحح و محقق این تفسیر، آقای ابراهیم عطوه عوض نیز آن را دائرة المعارفی بزرگ و مرجعی مهم دانسته که «در موضوع خود بی‌همتاست و بی‌نیاز کننده از بسیاری از تفاسیر و آکنده از تحقیق‌ها و پژوهش‌ها» (نیشابوری، ۱۹۶۲، ج ۱، ص ۵، مقدمه).

آنچه موضوع سخن در بحث حاضر است اینکه نیشابوری پس از تفسیر و تبیین معمولی آیات در پرتو آگاهی‌های کلامی، ادبی، روایی، فقهی و عقلانی، زیر عنوان «التأویل»، به ارائه برداشت‌های عرفانی و تفاسیر همسو با مذاق عارفان می‌پردازد. مفسر نامبرده در این وادی نیز هوشمند و محتاط است. وی در آغاز تفسیرش تصریح می‌کند که: «در تفسیر قرآن، کسی حق ندارد که جمله‌ها و واژه‌ها را از ظهور بیفکند و در تفسیر آن، به گونه‌ای سخن بگوید که معانی الفاظ واژگونه شود و مثلاً معانی «جَنَّة» و «صِرَاط» را دیگرسان کند. این واژه‌ها چنانکه آمده، باید ثبت شود و معانی آنها بدان‌گونه که بر اساس قواعد ادبی و تفسیر به دست می‌آید، نگاشته گردد. اما اگر کسی به حقایقی دیگری راه جست، یادکرد آنها ناروا نخواهد بود؛ چرا که خداوند آنچه را در عالم صورت، آفریده نظیر آن در عالم معنی نیز خواهد بود» (نیشابوری، ۱۹۶۲، ۱/ ۱۷).

۲- مآخذ نیشابوری در تفسیر قرآن

نظام الدین اعرج نیشابوری در صفحه‌های پایانی *غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، آنجا که از منابع خود در تفسیر یاد می‌کند، چنین می‌نویسد: «کتاب من حاصل تفاسیری همچون تفسیر کبیر فخر رازی که خود جامع بسیاری از تفاسیر است، می‌باشد و بیشترین تفسیر کشف زمخشری که نزد استادان این فن قبول عام یافته است. با این همه، حاوی نکته‌های غریب و نیکو و نیز تأویل‌های محکم و شگفتی است که در سایر کتب تفسیری، یافت نشده و اگر هم یافت شود به شکلی کاملاً پراکنده، یا در مجموعه‌های طولانی و درازدامن مندرج بوده است. در بخش احادیث نیز یا از کتاب‌های مشهور - مانند جامع الاصول و مصابیح و جز این دو - بهره برده‌ام و یا از احادیث موجود در کشف و تفسیر کبیر و امثال آن استفاده کرده‌ام - البته، به جز مواردی از احادیث کشف که در باب فضایل سوره‌ها آمده و آنها را حذف کردم؛ چرا که برخی ناقدان در اصالت عمده این احادیث، جز نوادری از آنها، تردید دارند. در باب وقوف نیز با اختصار در برخی تعلیل‌ها و تثبیت وجوب وقف در برخی آیات، از امام سجاوندی وام گرفته‌ام. در مورد اسباب النزول هم عمده مطالب از جامع الاصول و تفسیرین و تفسیر واحدی است. مباحث لغوی

نیز متخذ از کتاب صحاح جوهری و مأخذ لغوی تفسیرین بوده و نکته‌های معانی - بیانی و سایر مسائل ادبی نیز از تفسیرین و مفتاح العلوم و برخی دیگر از کتب ادبی، استفاده شده؛ همچنان که احکام شرعی مطرح در این تفسیر، از تفسیرین و سایر کتب معتبر فقهی - بویژه، شرح و جیز از امام شافعی - بوده است. در مورد تأویلات موجود در غرایب نیز باید بگویم که بیشتر آنها از شیخ اهل حقیقت و تقوایشه به یقین رسیده، نجم الملة و الدین، معروف به نجم دایه - قدس نفسه و روح رمسه - بوده و بخشی از آن نیز مطالبی است که به ذهن خودم، خطور کرده و خود به آنها راه یافته‌ام؛ با اذعان به این که جزمیتی در صحت برداشت‌های خود ندارم، بلکه خوف آن دارم که جسارتی ورزیده و در مباحثی نامربوط ورود کرده باشم (نیشابوری، ۱۹۶۲، ج ۶، ص ۶۰۷).

این متن افزون بر اینکه همه مأخذ تفسیر غرائب را معرفی کرده، حاوی این نکته پژوهشی نیز هست که مفسری همچون نظام نیشابوری که خود، دستی در تفسیر و انواع علوم داشته و فاصله چندان دوری هم با نجم دایه نداشته است، به تصریح، از شیخ نجم الدین دایه یاد می‌کند و تأویلات را از او می‌داند. همین نکته به ظاهر پیش پا افتاده، مورد توجه بسیاری از اهل فن واقع نشده و متن تأویلات را از نجم کبری دانسته‌اند (موحدی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۱). در باب زندگی و آثار شیخ نجم الدین رازی و جایگاه او در حدیث و تفسیر، به راحتی می‌توان از منابع نزدیک به دوره او بهره برد (برای نمونه ر.ک. ذهبی، ۱۹۸۹، ص ۱۶۷ / صفدی، ۱۹۶۲، ج ۱۷، ص ۵۷۹).

۳- مأخذ بخش‌های تأویلی غرائب القرآن

به هنگام استقرای نسخ و مقایسه نسخه‌های گوناگون از تفسیر تأویلی نجم دایه معروف به بحر الحقائق، به گونه‌ای اتفاقی به نسخه‌ای با عنوان «الاشارات من کلام الله» از مؤلفی نامعلوم، برخوردیم. محتوای این نسخه از ابتدای تفسیر قرآن - آیه ۳۶ سوره بقره - تا سوره طور را شامل است. البته، این نسخه از ابتدا و نیز از اواسط، افتادگی‌هایی دارد. تاریخ کتابت نسخه ۱۷ ذی الحجة ۷۰۵ ق. است که به جهت کتابخانه سلطان المشایخ و الوزراء، علاء الحق و الدین کتابت شده است. کتاب در ۳۲۲ برگ رقعی، با ۳۳ سطر (در اندازه ۲۴*۱۷ سانتیمتر) نوشته شده است. نسخه مذکور با این جملات آغاز می‌شود: «... من الخاسرین لانه أبصر بنور الالهام انه ظلم نفسه، اذ اکل حبة المحبة و وقع في شبكة المحنة و المذلة و ان لم يعنه ربه لمغفرته و نفسه برحمته لم تتخلص من خفية بشريته الذي اهبط الله اليه و يخسر رأس مال استعداد السعادات الازلية...».

نسخه با این جملات به پایان رسیده است: «... یشیر الی مداومته علی الذکر و ملازمته له باللیل و النهار». در پایان نسخه، به خطی دیگر در باره تملک نسخه چنین آمده است: «اضعفُ خلقُ الله الحسن بن محمد معرف بنظام النیسابوری - نظم الله احواله فی الدارین».

با بررسی‌ها و تطبیق‌های اولیه، روشن و آشکار گردید که این نوشته نیز نسخه‌ای دیگر از «بحرالحقائق و المعانی»، اثر نجم‌الدین رازی است که در مقایسه با دیگر نسخه‌ها از قدمت قابل توجهی برخوردار است. جالب آن که در پایان نسخه، یادداشت مالکیتی به قلم نظام‌الدین حسن بن محمد نیشابوری وجود دارد که نشان می‌دهد این نسخه، همان نسخه‌ای است که نظام نیشابوری به هنگام تألیف غرائب القرآن خود از آن سود می‌جسته، و بخش تأویلات کتاب تفسیری خود را از آن انباشته است.

نظام‌الدین در پایان تفسیرش نیز - همان گونه که بخشی از آن دیدیم - به چگونگی و شیوه تأویل در این اثر پرداخته و نسبت به نگاشته‌های خود و دیگران در این زمینه چنین یاد می‌کند: «من به راستی و درستی آنچه در این باب آورده‌ام، اصرار نمی‌ورزم و آنچه را در ذیل آیه به عنوان تأویل آورده‌ام، مراد قطعی آیات نمی‌دانم؛ بلکه می‌ترسم این گونه سخن گفتن در تفسیر آیات نوعی جرأت بر تفسیر و فرو رفتن در مباحث ناسودمند باشد؛ اما آنچه مرا به این امر، تشجیع کرد، نگارش‌ها و شیوه تفسیرنگاری پیشینیان ما، پیشوایان ذوق و وجدان بود، آنان که در تفسیر قرآن، عرفان، ایمان و اتقان را در هم آمیختند و تفاسیر بزرگی را پی نهادند» (نیشابوری، ۱۹۶۲، ج ۱۰، ص ۲۳۵).

بخش تأویل تفسیر «غرائب القرآن» از جهاتی قابل توجه است؛ از جمله این که وی با جداسازی این بخش از بخش‌های دیگر، عملاً، مرز بین «تفسیر» و «تأویل» را بازشناسانده و با تأکید و تنبیهی که در آغاز و فرجام تفسیر، درباره این گونه مطالب آورده، کسانی را که در این وادی‌ها، سیر می‌کنند، به احتیاط فرا خوانده است. افزون بر اینها در این بخش، گاه، برداشت‌های ذوقی و عرضه لطایف عرفانی، جذابیت و مطلوبیتی تأثیرگذار دارد. برای نمونه، در ذیل آیه: ﴿وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ﴾ (بقره: ۵۰ / ۲) می‌گوید:

«مراد از دریا دنیا است و مراد از آب دریا، شهوات و لذت‌های آن است. مقصود از موسی «قلب» است و قوم وی صفات «قلب»، مقصود از فرعون «نفس اماره» است و قوم او صفات نفس اماره‌اند. مراد از عصای موسی «ذکر» است. بدین سان دریای دنیا با ذکر «لا اله الا الله» می‌شکافد و آب‌های شهوات آن به این سوی و آن سوی، راست و چپ رفته در هم می‌آمیزند؛

و خداوند نسیم عنایت و آفتاب هدایت را بر ژرفای دریای دنیا می‌رساند و آن را از آب‌های شهوات می‌خشکاند. بدین‌سان، «قلب» و صفاتش از آن می‌گذرند و به عنایت الهی به ساحل نجات دست می‌یابند و نفس اماره و نیروهایش در غرقاب هلاکت فرو می‌روند. الله اعلم» (همان، ج ۱، صص ۳۱۲-۳۱۳).

در ذیل آیه ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً﴾ (بقره: ۶۷/۲) پس از بحثی سودمند و درازدامن در تفسیر آیه که ضمن آن، آیه را از جنبه‌های گوناگون، به بحث کشیده و نکات آموزنده‌ای از آن استخراج کرده است، ذیل عنوان «تأویل» می‌گوید: «ذبح البقره» اشاره به کشتن «نفس حیوانی» است؛ چرا که با کشتن آن «قلب روحانی» زنده می‌شود؛ و این است جهاد اکبر و معنای: «موتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا». پس از آنچه آمد نیز به گفتار صوفیان - از جمله «حلاج» - می‌پردازد و در توجیه و تأویل آیه، بگسترده‌گی، سخن می‌راند.

در ذیل آیه ﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَمَا أهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ﴾ (بقره: ۱۷۳/۲) می‌گوید: «مراد از مَیْتَه، جیفه دنیا است. مقصود از دم، شهوات نفسانی است. حضرت محمد (ص) فرمود: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يَجْرِي مِنْ أَدَمِ مَجْرَى الدَّمِ» و فرمود: «سُدُّوا مَجَارِيَ الشَّيْطَانِ بِالْجُوعِ». در ذیل آیه ۱۱۴ از سوره بقره، پس از بحثی مفصل در مسجد و احکام آن، به تأویل آیه پرداخته و می‌گوید: «مساجدی که در آنها یاد خدا می‌شود در نزد اهل نظر، عبارت از نفس، قلب و روح است. ذکر در هر مسجدی باید متناسب با همان مسجد باشد؛ پس ذکر «مسجد نفس» طاعت و عبادت است و منع آن ترک خوبی‌ها و انجام بدی‌هاست. ذکر «مسجد قلب» توحید و معرفت است و منع آن تمسک به شبهات و تعلق به شهوات است. چنانکه خداوند به داود، وحی کرد که: «يا داود حذر و أذر اصحابك كُلَّ الشَّهَوَاتِ، فَإِنَّ الْقُلُوبَ الْمَعْلُوقَةَ بِالشَّهَوَاتِ عَقُولُهَا عَنِّي مَحْجُوبَةٌ» و ذکر «مسجد روح» شوق و محبت است و منع آن رکون و سکون است».

به هر حال، تأویلات عرفانی، بخش عظیمی از تفسیر «غرائب القرآن» را فرا گرفته و این تفسیر در اطلاع‌رسانی به خواننده و در جهت چگونگی تأویلات مفسران عرفان‌مسلک و روش‌های ذوقی، بسیار مفید است» (مهدوی‌راد، ۱۳۷۶، ص ۱۰۴). چنانکه پیش از این نیز یادآور شدیم، نظام الدین نیشابوری خود، در پایان تفسیر غرائب القرآن، ضمن برشمردن منابع و مأخذ خود در تفسیر، صریحاً، می‌نویسد که مباحث مربوط به تأویل آیات را از شیخ نجم الدین دایه اقتباس کرده است. این برداشت‌ها عموماً، در پایان تفسیر آیات و در بخش «التأویل» می‌آید و گاه نیز با عباراتی چون «قال أهل الإشارة» و «قال أهل التحقيق»، نقل می‌شود که البته، اندک

نیست و مجموعه آنها می‌تواند صفحات زیادی را به خود اختصاص دهد. افزون بر این، باید دانست که نظام نیشابوری معمولاً، عبارات طولانی نجم الدین رازی را مختصر می‌کند و فشرده مطالب او را در تفسیر خود، جای می‌دهد.

۴- مقایسه تأویل‌ها در بحرالحقایق و غرائب القرآن

در اینجا برای نمونه، چند مورد از بهره‌گیری‌های نظام الدین نیشابوری از تفسیر بحرالحقایق را عرضه می‌کنیم. همانگونه که در بخش معرفی تفسیر غرائب آمد، نظام الدین نیشابوری در بخش «تأویل» آیات ۶۷-۷۲ از سوره بقره، می‌نویسد: «التأویل: ذبح البقرة اشارة الى ذبح النفس البهيمية فان في ذبحها حياة القلب الروحاني و هو الجهاد الاكبر موتوا قبل ان تموتوا.

اقتلونى يا ثقانى ان فى قتلى حياى و حياى فى مماتى و مماتى فى حياى

مت بالارادة تحيا بالطبيعة و قال بعضهم مت بالطبيعة تحيا بالحقيقة، ﴿ما هى قال إنه يقول إنها بقرة﴾ نفس تصلح للذبح بسيف الصدق، ﴿لا فارض﴾ فى سن الشيخوخة فيعجز عن وظائف سلوك الطريق لضعف القوى البدنية كما قيل: «الصوفي بعد الاربعين بارد» و ﴿و لا بكر﴾ فى سن شرح الشباب يستهويه سكره ...» (نیشابوری، ۱۹۶۲، ص ۳۱۴).

عبارت نجم الدین رازی در بحر الحقائق ذیل همین آیات، چنین است: «والاشارة فى تحقيق الآيات الخمس من قوله ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً﴾ اشارة الى ذبح بقرة النفس البهيمية فان في ذبحها حياة القلب الروحاني و هذا هو الجهاد الاكبر كأن النبي صلى الله عليه و آله و سلم يشير اليه بقوله: رجعنا من الجهاد الاصغر إلى الجهاد الاكبر و بقوله: المجاهد من جاهد نفسه و قوله عليه السلام: موتوا قبل ان تموتوا، ايضاً اشارة الى هذا المعنى... ﴿قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما هى﴾ اى تعيين آية بقرة نفس يصلح للذبح بسيف الصدق فأشار الى بقرة نفس ﴿لا فارض﴾ فى سن الشيخوخة متعجزاً عن سلوك الطريق لضعف المشيب و جلد القوى النفسانية كما قال بعض المشايخ: الصوفي بعد الاربعين بارد ﴿و لا بكر﴾ فى سن شرح الشباب فانه يستهويه سكره» (نجم رازی، ۱۳۹۲، ص ۲۹۷).

نظام الدین نیشابوری در بخشی دیگر چنین می‌نویسد: التأویل: ﴿وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ﴾ فى عهد ﴿أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ﴾ لا تسفكون دمائكم بامتثال اوامر الشيطان و اتباع خطواته كما قيل:

الى حتفى مشى قدمى الى حتمى مشى قدمى

ارى قدمى اراق دمى

و لا تخرجون انفسكم من ديار عبوديتكم التي كنتم فيها في اصل الفطرة (نیشابوری، ۱۹۹۴، ص ۳۲۸). نجم الدین رازی نیز ذیل این آیه چنین آورده است: و الاشارة في تحقيق الآيات ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ﴾ ای في عهد الست بربکم ﴿لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ﴾ بامتثال اوامر الشيطان في استجلاب حظوظ النفس فإنه سعی في اراقة دماء قلوبكم كما قال بعضهم:

الى حتفى مشى قدمى
ارى قدمى اراق دمی

و كذلك لا يسفكون دماءكم يعنى يتربص بينكم تسفكون بعضكم و ما بعض، كما قالت الملائكة كنتم عليها في اصل الفطرة (رازی، بی تا، نسخه ۸۲۲، ب ۴۴).

نظام الدین نیشابوری در ابتدای سوره مائده (آیات اول و دوم) در بخش مربوط به تأویل آیات آورده است: التأویل: سماع اسم الله و هو من صفات الهیة یوجب الفناء و الغیبة و سماع الرحمن الرحیم و هما من صفات اللطف یورث البقاء و القرية ﴿أَوْفُوا﴾ أيها العشاق ﴿بِالْعُقُودِ﴾ التي جرت بیننا یوم الميثاق لیوم التلاق، فمن صبر على عهده فقد فاز بمقصوده عند بذل وجود ﴿أُحِلَّتْ لَكُمْ﴾ ذبح بهیمة النفس التي كالانعام في طلب المرام الا النفس المطمئنة التي تليت عليها ﴿ارْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ﴾. (نیشابوری، ۱۹۹۶، ج ۲، ص ۵۶۲). در بحر الحقایق نیز در ابتدای سوره مائده، همین عبارات را می توان دید که از تکرار آن صرف نظر می شود (رازی، بی تا، ب ۱۶۶).

به جرأت می توان گفت که موارد نقل شده از بحرالحقائق، بیش از صد مورد است که در برخی از موارد، عین عبارات نجم الدین رازی تکرار شده و در موارد بیشتری، عبارات طولانی رازی، به اختصار برگزار شده است. برای نمونه، می توان به شیوه تلخیص نظام الدین نیشابوری در تأویل آیه ۳۰ از سوره نساء توجه کرد: «التأویل: ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ﴾ الآية كلها، اشارت الى نهی التعلق و منع التصرف في الامهات السفليات و المتولدات من اوصاف الانسان و صفات الحيوان ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ بانواع غفرانه ظللمات الصفات الانسانية التي تتولد من تصرفات الحواس في المحسوسات عند الضرورات بالامر لا بالطبع... (بعد از يك صفحه) ﴿يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ﴾ فلکم المعونة و لغيرکم المثونة. قال ابراهيم: ﴿إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي﴾ و اخبر عن حال موسى بقوله ﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا﴾ و عن حال نبينا بقول: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ﴾ وعن حال هذه الامة بقوله ﴿سُتْرِيهِمْ آيَاتِنَا﴾ (فصلت: ۵۳ / ۴۱) و المعونة هي الجذبة التي توازي عمل الثقلين، فلا جرم كان لغير نبينا الوصول الى السموات فقط ... ﴿خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا﴾ و لهذا عين باخدمة حتى يتصل بقوة

ذلك الى مقام لا يصل اليه الثقلان بسعيهم الى الأبد و ضعفه بالنسبة الى جلال الله و كماله و الا فهو اقوى في حمل الامانة من سائر المخلوقات، و ايضاً من ضعفه انه لا يصبر عن الله لحظةً فإنه يحبهم و يحبونه.

الصبر يحمي في المواطن كلها الأ عليك فإنه لا يحمي

و كان ابوالحسن الخرقاني يقول: لو لم الق نفساً لم ابق. و غير الإنسان يصبر عن الله لعدم المحبة و من ضعفه انه لا يصبر مع الله عند غلبات سطوات التجلي...» (نیشابوری، ۱۹۶۲، ج ۲، ص ۴۰۲). می توان همین عبارات را در بحر الحقائق رازی با پرداختی مشروح تر مشاهده کرد (ر.ک. رازی، بی تا، ب ۷۱).

نمونه ای دیگر از این گونه تلخیص ها را می توان ذیل آیه هفتاد از سوره زمر در غرائب القرآن نیشابوری سنجید. ضمناً، می توان دریافت که نظام الدین نیشابوری افزون بر موارد عدیده ای که تحت عنوان «التاویل» از بحر الحقایق اقتباس کرده، هر جا عباراتی همچون «قال اهل العرفان» یا «قال اهل الاشارة» می آورد، عمدتاً، ناظر بر سخنان شیخ نجم الدین رازی در بحرالحقائق است. برای نمونه: «قال اهل العرفان: بیده مفاتيح خزائن اللطف و القهر فيفتح على من يشاء ابواب خزائن لطفه في قلبه فتخرج ينابيع الحكمة و جواهر الاخلاق الحسنة و للآخر بالضد...» (نیشابوری، ۱۹۶۲، ج ۶، ص ۱۳).

در بحر الحقائق، همین مضمون در ذیل همین آیه، به اطناب آمده که بخشی از آن چنین است: «﴿لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ﴾ يشير الى ان له مفاتيح خزائن لطفه و هي مكنونة في سموات القلوب و له مفاتيح خزائن قهره و هي مودعه في ارض النفوس ، يعني: لا يملك لاحد مفاتيح خزائن لطفه و قهره الا هو و هو الفتاح و بیده المفتاح يفتح على من يشاء ابواب خزائن لطفه في قلبه فتخرج ينابيع الحكمة منه و جواهر الاخلاق الحسنة و يفتح على من يشاء ابواب خزائن قهره في نفسه فتخرج عيون المكر و الخدع و الحيل منها و فنون الاوصاف الذميمة و لهذا السر، قال عليهم مفتاح القلوب لا اله الا الله و كما سئل عثمان - رضی - عن تفسير مقاليد السموات و الارض قال: لا اله الا الله و الله اكبر كما ذكره». (رازی، بی تا، نسخه ۵۴۹۱، ذیل آیه ۷۰ سوره زمر). بهره گیری نظام الدین اعرج نیشابوری از تفسیر بحرالحقایق رازی آن اندازه زیاد است که بررسی آن به راستی رساله ای جداگانه می طلبد و در ظرف کوچک این مقاله نمی گنجد.

۵- تأثیر غرائب القرآن بر دیگر تفاسیر

نکته‌ای که در پایان باید افزود این است که بخش تأویلات و اشارات عرفانی تفسیر نظام نیشابوری، گاه حلقه‌ی رابطی بین بحرالحقایق و تفاسیر بعدی بوده است. از میان آن تفاسیر، آنچه برای پژوهشگر ایرانی، جالب توجه می‌تواند بود، بهره‌های صدر المتألهین شیرازی از همین بخش اشارات موجود در غرائب القرآن است. اگرچه در باب اندیشه‌های فلسفی - کلامی ملاصدرا بسیار سخن گفته شده و درباره‌ی شکل و شگرد برداشت‌ها و اقتباس‌های او از دیگر آثار پیشینیان، مقالات فراوانی به نگارش درآمده است، اما پیرامون منابع و مأخذ تفسیری‌اش، پژوهش کمتری صورت گرفته و در مقالات اندکی نیز که در این باب هست، سعی بلیغی در معرفی این منابع دیده نمی‌شود (برای نمونه ر.ک. دهقان منگابادی، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۱۵۲).

به هر روی، اکنون می‌توان آشکارا، دریافت که ملاصدرا افزون بر مواردی که خود، با ذکر نام، از چند تفسیر مشهور - از جمله غرائب القرآن نظام الدین نیشابوری - بهره برده است، در موارد عدیده دیگری نیز از همین کتاب، بدون ذکر مأخذ، وام گرفته و آن مطالب را با تغییرات اندکی در تفاسیر خویش جای داده است. با بررسی‌هایی که انجام شد، این نکته مکشوف آمد که اشارات دریافت شده از غرائب القرآن، مأخوذ از بحرالحقائق نجم رازی بوده است. البته، اثبات و بسط این نکته خود پژوهشی مستقل می‌طلبد.

نگارنده در اینجا تنها با ذکر سه نمونه از مضامین تفسیری ملاصدرا - و آن هم صرفاً، در بخش اشارات ذوقی و عرفانی تفاسیر او - و مقایسه آنها با مأخذ اول - غرائب القرآن - و مأخذ دوم - بحرالحقایق - راهی را برای تحقیقی تازه در این باره می‌گشاید. برای نمونه، ملاصدرا در تفسیر آیه الکرسی، چنین می‌نویسد: «تتمة: و قال بعض ارباب القلوب: ان عروة الوثقی لکل طائفة من المؤمنین شیء آخر: للعوام التوفیق للطاعة، و للخواص مزید العناية بالمحبة كما فی قوله ﴿يُجِبُّهُمْ وَ يُجِيبُهُمْ﴾ و لخاص الخاص جذبات الالهية التي تنفیه عن الظلمات الوجودية بنور الربوبية كما شرح الله تعالی حقیقة الایة بتأویلها و...» (صدرالمتألهین، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۲۲۳).

و در غرائب القرآن چنین می‌خوانیم: «ثم العروة الوثقی التي استمسك بها المؤمن لا يمكن ان تكون من المحدثات المخلوقات لقوله ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ و لا تكون ايضاً من بطشه و الا كانت منفصمة، بل تكون من بطشه ﴿إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ﴾ و لكل مؤمن عروة مناسبة لقامه فی الايمان، فهي للعوام توفیق الطاعة و للخواص مزید العناية بالمحبة و... و لخواص الخواص، المجذبة الالهية التي

تفنیه عن ظلمات الغیریه و تبقیه بنور الربوبیه و...» (نیشابوری، ۱۹۶۲، ص ۲۰). همین متن را به عینه می‌توان در بحر الحقائق نیز مشاهده نمود (رازی، بی‌تا، ص ۳۶۸).

ملاصدرا در المعراج الثانی فی بیان طوائف المؤمنین چنین می‌نویسد: «المؤمنین فیہ علی ثلاث مراتب لكونهم ثلاث طوائف: عوام المؤمنین و خواصّ خواصهم. فالعوام یخرجهم الله من ظلمات الکفر و الضلالة الی نور الایمان و الهدایة... و الخواص یخرجهم من ظلمات الصفات النفسانیة و الجسمانیة الی نور الروحانیة الربانیة... و خواص الخواص یخرجهم من ظلمات حدوث الخلقة الروحانیة بإفنائهم عن وجودهم الی نور تجلّی صفة "القدیم" لهم لیقیهم به...» (صدرالمتألهین، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۲۳۹).

نجم‌الدین رازی در بحرالحقایق، چنین گفته است: «ثم اعلم ان مراتب المؤمنین فی الایمان متفاوتة، و هم ثلاثة طوائف: عوام المؤمنین و خواصهم و خواص الخواص. فالعوام یخرجهم الله من ظلمات الکفر و الضلالة الی نور الایمان و الهدایة، کقوله تعالی ﴿وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى﴾ و الخواص یخرجهم من ظلمات الصفات النفسانیة و الجسمانیة الی نور الروحانیة الربانیة کقوله تعالی ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ﴾ (رازی، بی‌تا، نسخه ۸۲۲، ب ۳۶).

همچنین نجم رازی، ذیل آیه شریفه ﴿قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ﴾ (بقره: ۳۰/۲)، چنین می‌نویسد: «فقولهم هذا يدلّ علی معانٍ مختلفة؛ انّ الله تعالی أنطقهم بهذا القول لیتحقّق لنا انّ هذا الصفات الذمیمة فی طینتنا مودعة فی جبلتنا مرکبة فلا نأمن عن مکر انفسنا الأمانة بالسوء و لا نعتمد علیها و ما نبرءها، كما قال تعالی حکایة عن قول یوسف (ع): ﴿وَمَا أُبْرئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي﴾ و منها: لنعلم انّ کل عمل صالح نعمله، ذلك بتوفیق الله تعالی ایانا و فضله و رحمته و... و منها: ان الملائكة انما قالوا "تجعل فیها من..." لانهم نظروا الی جسد آدم قبل نفخ الروح، فشاهدوا بالنظر الملکی فی ملکوت جسده المخلوق من العناصر الاربعة... فلما تفاخر الملائكة بطاعتهم علی آدم، من الله تعالی علی آدم بعلم الأسماء ليعلموا أنّهم اهل الطاعة و الخدمة. و أنّه اهل الفضل و المنّة، و این اهل الخدمة من اهل المنّة! فبتفاخرهم علی آدم صاروا ساجدين له، ليعلموا أنّه مستغن عن طاعتهم و بمنته علی آدم صار مسجوداً له ليعلموا انّ الفضل بیدالله یؤتیة من یشاء». (رازی، بی‌تا، ب ۳۶).

پژوهشگر می‌تواند دقیقاً همین عبارات را - که در اینجا به تلخیص آمد - با طول و تفصیل فراوان، در ذیل همین آیه در تفسیر القرآن الکریم صدرای شیرازی بازجوید (صدرالمتألهین،

۱۳۶۴، ج ۲، صص ۳۰۵-۳۰۸). همچنین آنجا که صدرالمتألهین در تفسیر سورة جمعه، از مراتب ذکر، به تفصیل، سخن می‌گوید (ر.ک. صدرالمتألهین، بی‌تا، صص ۱۴۷-۱۴۹)، در واقع، نقل عباراتی از تفسیر بحرالحقایق رازی در ذیل آیه ۱۵۲ از سورة بقره است: ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُون﴾. البته، باید دانست که برداشت‌های تفسیری این مفسر شیعی تنها به این موارد اندک، منحصر نیست و پژوهش بیشتر در باب مأخذ تفسیری صدرالمتألهین، بی‌شک موارد گسترده‌تری از این گونه اقتباس‌ها را بازخواهد نمود.

نتیجه‌گیری

وجود بخش «التأویل» در تفسیر گرانسنگ «غرائب القرآن» از نظام الدین نیشابوری و تعبیه این عنوان در پایان مباحث تفسیری آیات - البته، پس از عناوینی چون: القراءات، الوقوف و التفسیر - در بردارنده چندین نکته مثبت است:

۱- نخست آنکه این مفسر پرکار که تفسیرش مقبولیتی عام در میان صاحب نظران اهل سنت و نیز برخی شیعیان یافته است، با قرار دادن چنین بخشی در تفسیر خود، مهر تأییدی بر مجاز بودن برداشت‌های عرفانی زده است و به رغم مخالفت‌هایی که برخی از هم‌عصران او با تفسیر باطنی قرآن داشته‌اند، مستنبطات عرفانی و ذوقی از قرآن را نیز در ضمن مطالب تفسیری خود، جای داده است. با پذیرش این فرض که او نیز همچون دیگر مفسران بزرگ، قواعد تفسیر و بایسته‌های آن را می‌دانسته و از ورود به ورطه تفسیر به رأی، پرهیز داشته است، تعبیه بخش «تأویل» در پایان هر بخش و تفکیک درست و دقیق آن از بخش تفسیر آیات، به نظر بسیار هوشمندانه می‌رسد و می‌تواند الگوی مناسبی برای مفسران بعدی تلقی شود.

۲- بخش «التأویل» در این تفسیر، با وجود تصریح مؤلف در آخرین صفحه جلد پایانی - که البته، معمولاً مغفول واقع می‌شود - برگرفته از کتاب «بحر الحقائق و المعانی» یا «تأویلات النجمیه» از نجم‌الدین رازی است. در اکثر موارد، عین عبارت از بحر الحقائق نقل شده و در برخی موارد نیز تلخیصی ماهرانه از لطائف دراز دامن نجم‌الدین رازی صورت گرفته است.

۳- وجود بخش «التأویل» در این تفسیر قدیمی و تصریح نظام نیشابوری به اینکه اکثر این تأویلهای از نجم‌الدین رازی است، و مطابقت مفاد بخش تأویلی غرائب القرآن با تأویلات نجمیه، یکی از مبهمات حوزه تاریخ تفسیر را گشوده است و آن خبط و خطایی است که برای بسیاری از پژوهشگران معاصر در مورد انتساب «تأویلات نجمیه» به نجم‌الدین کبری، استاد طریقت

نجم‌الدین رازی، رُخ داده است. گواهی نظام الدین نیشابوری دلیلی آشکار بر زدودن چنین اشتباهی تواند بود.

منابع و مأخذ

۱. ایازی، سید محمد علی؛ *المفسرون و حیاتهم و منهجهم*؛ تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۲. خوانساری، سید محمد باقر؛ *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*؛ قم: مکتبه اسماعیلیان، ۱۳۹۱ ش.
۳. دهقان منگابادی، بمانعلی؛ «سبک و شیوة تفسیری صدر المتألهین در تفسیر قرآن»؛ در مجموعه مقالات همایش بزرگداشت صدر المتألهین، جلد دوازدهم: ملاصدرا، تفسیر و حدیث، تهران: انتشارات حکمت ملاصدرا، ۱۳۸۳ ش.
۴. ذهبی، شمس‌الدین؛ *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*؛ به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، ج ۲، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۹۸۹ م.
۵. ذهبی، محمد حسین؛ *التفسیر و المفسرون*؛ قاهرة: کلیة الازهر، ۱۳۹۶ق / ۱۹۷۶م.
۶. رازی، نجم‌الدین؛ *بحر الحقائق و المعانی*؛ نسخه کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی، بی تا، شماره ۸۲۲ و ۵۴۹۱.
۷. — با مقدمه و تصحیح: دکتر محمد رضا موحدی، تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۲ ش.
۷. زرقانی، محمد عبدالعظیم؛ *مناهل العرفان فی علوم القرآن*؛ به کوشش بدیع اللّحام، بی جا: دار قتیبه، ۱۴۱۸ ق.
۸. زرکلی، خیرالدین؛ *الاعلام*؛ بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۶ م.
۹. صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم، *تفسیر القرآن* (ج دوم)؛ تصحیح: محمد خواجوی، قم: انتشارات بیدار، ۱۳۶۴ ش.
۱۰. — *تفسیر القرآن* (جلد چهارم)؛ تصحیح محمد خواجوی، ج ۲، قم: انتشارات بیدار، ۱۳۷۲ ش.
۱۱. — *تفسیر سوره جمعه*؛ تصحیح: محمد خواجوی، تهران: انتشارات مولی، بی تا.
۱۲. صفا، ذبیح‌الله؛ *تاریخ ادبیات در ایران*؛ تهران: انتشارات فردوس، ج ۱۲، ۱۳۷۱ ش.
۱۳. صفدی، صلاح‌الدین؛ *الوافی بالوفیات*؛ به کوشش هلموت ریتز، ویسبادن: دارالنشر فرانز شتاینر، ۱۹۶۲ م.
۱۴. مطهری، مرتضی؛ *خدمات متقابل اسلام و ایران*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۱۵. موحدی، محمد رضا؛ *آن سوی آینه (درآمدی بر تفسیر عرفانی شیخ نجم‌الدین رازی)*؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱ ش.
۱۶. مهدوی‌راد، محمد علی؛ «شناسایی برخی از تفاسیر عامه (۶)»؛ مجله حوزه، شماره ششم، بهمن ۱۳۷۶ ش.
۱۷. نیشابوری، نظام‌الدین؛ *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*؛ به کوشش زکریا عمیرات، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۶ ق / ۱۹۹۴ م.
۱۸. — *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*؛ به کوشش ابراهیم عطوه عوض، مصر: مطبعة المصطفی البابی حلبي، ۱۹۶۲ م.

